

منطق دانشنامه، نخستین گام در منطق فارسی

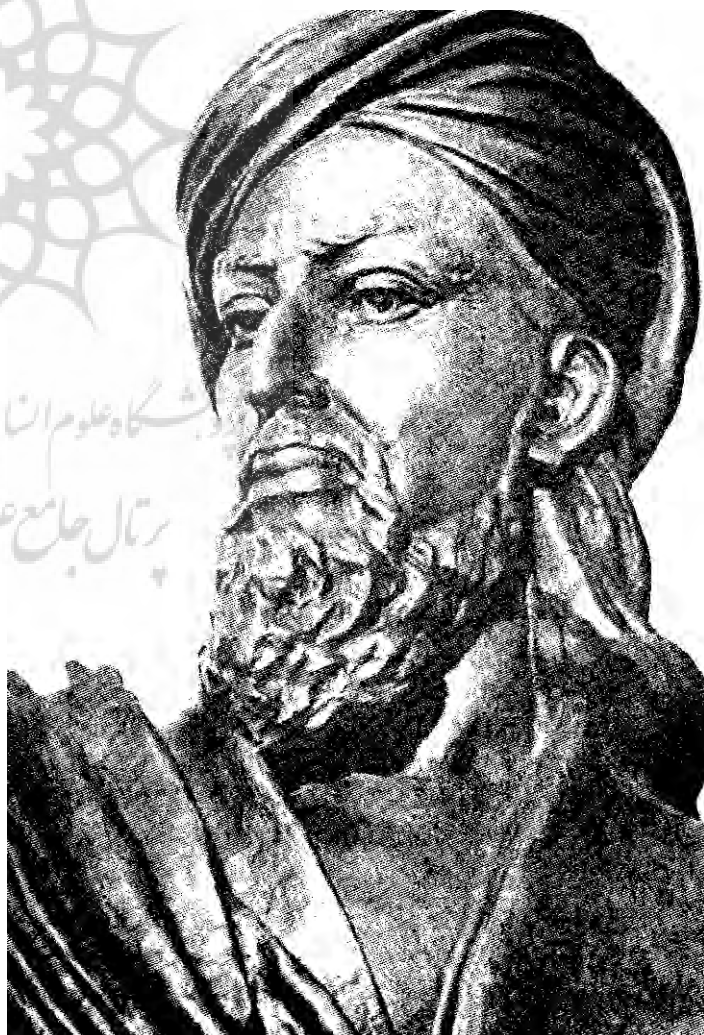
سید مصطفی موسوی

مقدمه

دانشنامه علایی اثر گرانسنگ حکیم ابوعلی سینا، به عنوان نخستین دانشنامه جهان اسلام به زبان فارسی و یکی از متون مهم نثر فارسی در قرن پنجم، جایگاه ویژه‌ای در بین آثار او دارد. دانشنامه متشکل از اطلاعاتی در باب موضوعات مختلف و بحث نسبتاً مختصری درباره آنهاست. دانشنامه در زبان فارسی معادل دایرةالمعارف عربی و آنسیکلوپدی لاتین به مجموعه‌ای اطلاق می‌شود که اطلاعاتی جامع و در عین حال فشرده درباره دانستنی‌ها و یافته‌های بشر در اختیار خوانندگان می‌گذارد. با این تعریف از دانشنامه، پیشینه آن به بیش از دو هزار سال پیش در یونان می‌رسد. ارسطو را اولین کسی می‌دانند که دانشنامه را به صورت مجموعه، درباره علوم و مسائل بشری زمان خود گرد آورده‌است. کارهای مشابه کار ارسطو در قرون وسطی هم ادامه داشته است. در دوره اسلامی از نخستین دانشنامه‌ها که می‌توان نام برد کتاب احصاء العلوم فارابی، دانشنامه علایی، التفهیم ابوریحان بیرونی، ذخیره خوارمشاهی، مفتاح العلوم محمد خوارزمی و جامع العلوم فخرالدین محمد رازی است.

ابن سینا در متن دانشنامه اسمی برای کتابش وضع نکرده است، ولی شاگردش، عبدالواحد محمد جوزجانی در مقدمه بخش ریاضی دانشنامه می‌نویسد: «و از بزرگ تصانیف او (ابن سینا) دانشنامه علایی است.»^۱

این کتاب به نام‌های کتاب العالی، حکمت علایی و اصول و نکات علوم خمس حکمیه نیز خوانده شده است. علایی در نام این اثر، منسوب است به «علاء» و منظور علاء الدوله کاکویه، حاکم اصفهان است. که ابن سینا کتاب را به خواهش او به رشته تحریر در آورده چنانچه در مقدمه کتاب می‌نویسد



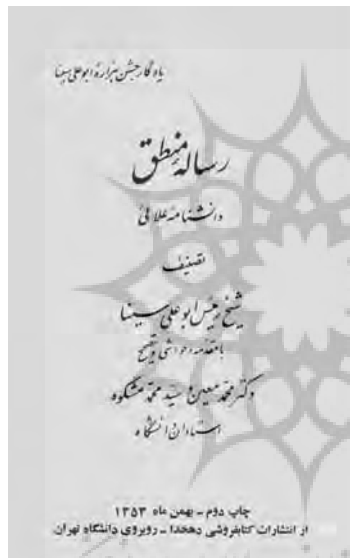
«فرمان بزرگ خداوند ما، ملک عادل موید منصور عضدالدین علاء الدوله و فخر المله و تاج الاثمه ابوجعفر محمد بن دشمن‌زیار مولی امیرالمومنین زندگانش دراز باد و... که باید که مر خادمان مجلس وی را کتابی تصنیف کنم بیارسی دری.»^۲ بنابراین شیخ رئیس کتاب را در ایام اقامت خود در اصفهان بین سال‌های ۴۱۲ تا ۴۲۸ قمری تصنیف کرده است.

بخش‌های دانشنامه علایی

ابن سینا در مقدمه کتاب می‌گوید: «کتابی تصنیف کنم بیارسی دری که اندر وی اصل‌ها و نکت‌ها و پنج علم از علم‌ها و حکمت پیشینگان گرد آورم بغایت اختصار:

یکی: علم منطق که وی علم ترازوست. دوم: علم طبیعیات که علم آن چیزهاست که بحس بشاید دیدن و اندر جنبش و گردش‌اند و سوم: علم هیأت و نهاد عالم و حال صورت جنبش آسمانها و ستارگان چنانکه بازنموده‌اند که چون بشایست حقیقت آن دانستن و چهارم: علم موسیقی و باز نمودن سبب ساز و ناساز آوازه‌ها و نهادن لخوا و پنجم: علم آنچه بیرون از طبیعت است.»^۳

ولی مؤلف ترتیب مذکور را رعایت نکرده و در نسخه‌های کامل دانشنامه علاوه بر این پنج علم، هندسه و ارثماتیکی نیز افزودند و ترتیب علم‌های مذکور در این نسخه‌ها چنین است: منطق، علم برین (الهیات)، علم زیرین (طبیعیات)، هندسه، هیات، ارثماتیکی و موسیقی. ولی از این هفت علم مذکور، فقط سه بخش منطق، الهیات و طبیعیات به قلم خود شیخ است و بقیه آن را شاگردش جوزجانی گرد آورده است. در مقدمه بخش ریاضی دانشنامه چنین آمده: «چنین گوید خواجه بزرگوار عبدالواحد محمد جوزجانی - رحمة الله علیه - که آن‌گاه که من به خدمت خواجه رئیس - قدس الله روحه - بودم، حریص بودم بر جمع کردن تصانیف او و بدست آوردن آن، زیرا که خواجه رئیس را عادت چنان بود که آنچه تصنیف کردی بدان کس دادی که از او خواسته بودی و از بهر خویش نسخه نگرفتی و از بزرگ تصانیف او دانشنامه علایی است و آنچه در آن از ریاضیات بکرد ضایع شده بود و بدستم نیافتاد و مرا دشخوار آمد ناتمامی این کتاب. ولیکن از رسالتها که خواجه کرده بود در این باب رسالتی داشتم که در اصلها و هندسه کرده بود و... در رسالتی دیگر نیز داشتم که در دانستن رسدها و کلی کرده است و شناختن ترکیب افلاک و این چون مختصریست از کتاب مجسطی. در رسالتی دیگر داشتم در علم موسیقی مختصری از آن ولیکن در علم ارثماتیکی چیزی نداشتم از تصانیف او مختصر پس از کتاب ارثماتیکی که او کرده است. از جمله کتاب شفاچندان برچیدم از مسئله‌ها او که بدان علم موسیقی در توان یافتن و این رسالت‌ها بیارسی دری کردم و بدین کتاب پیوستم تا کتاب تمام گردد.»^۴



جایگاه منطق دانشنامه علایی در بین آثار منطقی ابن سینا

دانشنامه علایی تنها اثر منطقی ابن‌سیناست که به زبان فارسی نگاشته شده است. با این وجود جایگاهی که کتاب‌های منطق شفا، اشارات و منطق المشرقیین ابن‌سینا در حوزه منطق دارند، هرگز منطق دانشنامه علایی واجد نیست؛ زیرا هدفی که ابن‌سینا از نگارش این کتاب داشته معرفی اجمالی علم منطق به زبان فارسی برای مبتدیان بوده و وارد مباحث عمیق منطقی نشده است. نگارش کتاب به زبان فارسی حاکی از توانایی زبان فارسی برای بیان مطالب علمی است و شیخ رئیس از عهده این کار به خوبی بر آمده‌است. بعضی محققین کتاب اشارات و تنبیهات ابن‌سینا را سرآغاز منطق دو بخشی و آن را مهمترین تحول در تاریخ منطق ارسطویی می‌دانند. به نظر نگارنده این ادعا قابل تأمل است. زیرا منطق دانشنامه علایی نیز دو بخشی است و از طرفی اگر این ادعا که کتاب اشارات آخرین کتاب ابن‌سیناست صحیح باشد، آشکار می‌شود که حداقل کتاب اشارات و تنبیهات سرآغاز منطق دو بخشی نیست، بلکه کتاب منطق دانشنامه علایی و یا منطق المشرقیین به ادعای برخی دیگر سرآغاز منطق دو بخشی است.^۵

دانشنامه علایی

تنها اثر منطقی ابن‌سیناست

که به زبان فارسی

نگاشته شده است.

با این وجود جایگاهی که

کتاب‌های منطق شفا، اشارات و

منطق المشرقیین ابن‌سینا

در حوزه منطق دارند،

هرگز منطق دانشنامه علایی

واجد نیست؛

زیرا هدفی که ابن‌سینا

از نگارش این کتاب داشته

معرفی اجمالی علم منطق

به زبان فارسی

برای مبتدیان بوده و

وارد مباحث

عمیق منطقی

نشده است.

چند نکته

۱. ابن سینا کتاب را با بحثی با عنوان غرض از علم منطق و فایده آن آغاز می‌کند؛ زیرا طالب علم بدون تصور از غرض و هدف علم، نمی‌تواند در پی آن علم برود. سپس علم منطق را تعریف می‌کند و منطق را علم ترازو می‌نامد. و به تعبیر خودش هر دانشی که به ترازو سخته نبود یقین نبود.

۲. وی نخستین منطق‌دانی است که اصطلاحات منطقی که به زبان عربی بوده به فارسی ترجمه کرده است. بعضی از این اصطلاحات به شرح ذیل است:

تصور را به رسیدن و تصدیق را به گردیدن ترجمه کرده است. وی می‌گوید: «دانستن دو گونه است. یکی اندر رسیدن که به تازی تصور خوانده چنانکه اگر کسی گوید: مردم یا پری یا فرشته و هر چه بدین ماند تو فهم کنی و تصور کنی و اندریابی. و دوم گرویدن چنانکه بگردی که پری هست، و مردم زیر فرمانست و هر چه بدین ماند و این را به تازی تصدیق گویند.»^۶ همچنین بجای واژه کمیت چیزی، به جای ماهیت چه چیز، به جای ضلع پهلو و به جای مثلث سه سو به کار برده است. وی در تعریف ناطق گفته: «و تفسیر وی آن بود که ورا جان سخن گویا بود. آن جان که سخن گفتن و تمیز و خاصه‌ها، مردمی ازو آید.»^۷

در تعریف ضاحک می‌گوید: «و تفسیر وی آنست که اندر طبع وی چنانست که چون چیزی شگفت غریب بیند یا شنود، ورا شگفت آید. و اگر بازدارنده نبود از طبق یا از خوی، شاید که بخندد. همچنین در مبحث قیاس از حد وسط به حد میانگین و از حد اصغر به حد کبیر، و از حد اکبر به حد مهین تعبیر کرده است.»^۸

۳. وی در بحث تعریف حدی و رسمی می‌گوید: «غرض اندر حد شناختن حقیقت ذات چیز است، و جدایی خود به تبع آید». با این بیان ابن سینا سخن کسانی را که قائلند غرض از تحدید، تمیز است رد می‌کند و می‌گوید که هدف از تحدید شناختن ذات شیء است نه جدایی آن شیء از اشیا و دیگر هر چند بالتبع جدایی نیز حاصل می‌شود. ولی در رسم هدف جدایی یک شیء از اشیا دیگر است، هر چند که ذات آن شیء شناخته نشود: «و غرض اندر رسم نشان دادن است بچیز هر چند که ذات وی بحقیقت شناخته نیاید.»^۹

۴. وی در تعریف قضیه (خبر یا قول جازم) می‌گوید: «و این آن بود که چون بشنوی شاید که گویی راست است و شاید که گویی دروغست.»^{۱۰} و این همان تعریف مشهوری است که جمهور منطق‌دانان از خبر ارائه می‌دهند. ولی وی در اشارات تعریف جدیدی از خبر داده است: «و هو الذی یقال لقائله انه صادق فی ما قاله او کاذب.»^{۱۱} که در این تعریف صدق و کذب به گوینده خبر بر می‌گردد نه به خود خبر.

۵. در مورد اینکه آیا قضیه «زید ناپیاست.» موجه است یا سالبه می‌نویسد: «گوییم: موجه است. که ناپیاست بجمله یکی محمول است، اگر اثبات کنیش قضیه موجه بود، و اگر نفی کنیش قضیه سالب بود. پس چون گفتیم ناپیاست، بلفظ «است» اثبات کردیم. پس قضیه، موجه شد و این را موجه محدود خوانند و اگر خواهیم که سالبه بود، گوییم: زید نیست بیانا.»^{۱۲}

همچنین در مورد فرق بین قضیه موجه معدوله و سالبه می‌گوید: «و فرق میان این هر دو آنست که اگر زید اندر جهان نبود، شاید که گویی زید نیست بیانا زیرا که آن را که زندگی نیست بیانا نبود و نشاید که گویی ناپیاست الا آنگاه که زید بجائی بود.»^{۱۳} به تعبیری دیگر در قضیه معدوله ثبوت شیء لشیء است و باید موضوع حتماً تحقق داشته باشد، ولی در قضیه سالبه، چون سلب حمل است لازم نیست موضوع تحقق خارجی داشته باشد.

۶. ابن سینا در دانشنامه علایی لفظ ممکن را دارای دو معنی می‌داند: ممکن عام، ممکن خاص. وی می‌گوید: «و لفظ ممکن بر دو معنی افتد. یکی بر شاید بود و بس و بجمله بر آنچه ممتنع نبود و واجب اندر زیر این ممکن افتد، زیرا که واجب ناشاید بود نبود، و دیگر بر شاید بود و نابود و این ممکن حقیقی است و واجب در زیر وی نیفتد.»^{۱۴} اما روش است که امکان معانی متعدد دارد و شامل: امکان عام، امکان خاص، امکان اخص و امکان استقبالی می‌شود و شیخ تنها خواسته بین دو معنی امکان عام و خاص که از بقیه مهم‌تر و نزدیک به هم هستند، تفاوت قائل شود.

۷. شیخ الرئیس در کتاب دانشنامه علایی بحثی از اقسام دلالت (مطابقی تضمن و التزام) نیاورده است و شاید به علت موجز بودن کتاب است. همچنین از موجهات هم بحثی نکرده و احتمالاً علت آن غامض بودن آن است، و این در حالی است که کتاب برای افراد مبتدی نوشته شده است.

۸. وی در مورد تفاوت بین مقدم و تالی و موضوع و محمول می‌نویسد: «فرق میان مقدم و تالی و میان موضوع و محمول آنست که: موضوع و محمول بجای اشیا لفظی مفرد بایستد. و بجای مقدم و تالی نه ایستد: زیرا که مقدم و تالی هر یکی بنفس خویش قضیتی اند. چنان که گویی اگر آفتاب بر آید، روز بود، گفتار تو: آفتاب برآید قضیه است و گفتار تو: روز بود قضیه است؛ لیکن لفظ شرط، مقدم را از قضیتی ببرد؛ زیرا که چون گویی اگر آفتاب برآید با اندر

بعضی محققین کتاب

اشارات و تنبیهات ابن سینا را

سرآغاز منطق

دو بخشی و آن را

مهمترین تحول در تاریخ

منطق ارسطویی می‌دانند.

به نظر نگارنده

این ادعا قابل تأمل است.

زیرا منطق

دانشنامه علایی نیز

دو بخشی است.

ابن سینا

نخستین منطق‌دانی است

که اصطلاحات منطقی

که به زبان عربی بوده

به فارسی

ترجمه کرده

است.

آمدن لفظ «اگر» این سخن از قضیته بشد تا نه راست است و نه دروغ. و لفظ جواب مر تالی را از قضیته ببرد؛ زیرا که چون گویی آن گاه روز بود، هم نه راست بود و نه دروغ. و دیگر فرق آنست که گویی آنجا که موضوع و محمول بود. که موضوع محمول است یا نیست. چنانکه گویی زید زنده است یا نیست. و نگویی آنجا که مقدم و تالی بود، که مقدم تالی است یا نیست.»^{۱۵}

۹. ابن‌سینا می‌فرماید که مهمله در حکم جزئی است؛ و این همان مطلبی است که خواجه نصیرالدین طوسی در شرح اشارات از آن به «المهملة فی قوة الجزئیه» یاد می‌کند.^{۱۶} لازم به ذکر است که در منطق جدید قضیه مهمله نداریم و منطق‌دانان جدید قضایا را به اتمیک و مسور تقسیم می‌کنند. علتش این است که در عالم واقع، قضیه یا متعلق به کل افراد است یا بعض افراد. حال اگر به این تعلق یا عدم تعلق اشاره کنیم، قضیه مسور و اگر اشاره نکنیم، قضیه مهمله می‌شود. لذا در منطق جدید که زبان طبیعی کنار گذاشته شده است، مهمله کارایی ندارد. ولی علت طرح مهمله در آثار قدما، تذکار عدم کاربرد مهمله در علوم است. زیرا زبانش دقی نیست و معنای محصلی ندارد.

۱۰. ابن‌سینا قیاس را دو قسم می‌داند: استثنائی و اقترانی. این تقسیم بندی از ابتکارات وی است. قیاس را به حملی (اقترانی) و شرطی (استثنائی) تقسیم می‌کرده‌اند. ولی ابن‌سینا با کشف قیاس اقترانی شرطی، این تقسیم بندی را به هم می‌زند و تقسیم جدیدی ارائه می‌دهد: قیاس اقترانی یا استثنائی است. و اقترانی حملی یا شرطی است. در اشارات ذکر شده است، اگر نتیجه خود یا نقیضش در مقدمات بیاید استثنائی و گرنه اقترانی است. ولی در دانشنامه علایی به گونه‌ای دیگر تعریف می‌کند: «قیاس اقترانی آن بود که دو قضیه را گرد آورند و هر دو را اندر یک پاره انبازی بود و بدیگر پاره جدایی پس از ایشان واجب آید قضیه دیگر که از آن در پاره بود که اندر ایشان انبازی نبود.»^{۱۷}

چاپ‌های منطق دانشنامه

منطق دانشنامه علایی تاکنون چندین بار به چاپ رسیده است:

۱. چاپ مطبعه فیروز حیدر آباد که در سال ۱۳۰۹ قمری به طبع رسیده است.
 ۲. چاپ چاپخانه مرکزی تهران با تصحیح و حواشی استاد احمد خراسانی که در سال ۱۳۱۵ به طبع رسیده است.
 ۳. چاپ انجمن آثار ملی، با مقدمه و حواشی و تصحیح دکتر معین و سید محمد مشکوه در سال ۱۳۳۱ شمسی.
- و چاپ دوم آن در سال ۱۳۸۳ شمسی در همدان.

پی‌نوشت‌ها

۱. دانشنامه علایی، بخش الهیات ابن‌سینا، تصحیح دکتر محمد معین، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۳۱ ش، ص الف.
۲. دانشنامه علایی، رساله منطق ابن‌سینا، تصحیح دکتر محمد معین و سید محمد مشکوه، همدان: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۱.
۳. همان، صص ۲-۳.
۴. دانشنامه علایی، بخش الهیات، ص واو.
۵. برای مطالعه بیشتر رک: مقاله اشارات و تنبیهات سرآغاز منطق دو بخشی، احد فرامرزی قراملکی، آینه پژوهش، شماره ۲۴.
۶. دانشنامه علایی، رساله منطق، ص ۵.
۷. همان صص ۱۸ - ۱۷.
۸. همان، صص ۶۴ - ۶۳.
۹. همان ص ۲۵.
۱۰. همان ص ۳۲.
۱۱. اشارات و تنبیهات ابن‌سینا، نشر البلاغه، قم: ج ۱، ص ۱۱۲.
۱۲. دانشنامه علایی، رساله منطق، صص ۳۸ - ۳۷.
۱۳. همان ص ۲۸.
۱۴. همان ص ۴۴.
۱۵. همان ص ۴۷.
۱۶. اشارات و تنبیهات، ج ۱، ص ۱۲۰.
۱۷. دانشنامه علایی، رساله منطق، ص ۶۲.

ابن‌سینا
قیاس را دو قسم می‌داند:
استثنائی و اقترانی.
این تقسیم بندی
از ابتکارات وی است.
قدما قیاس را
به حملی (اقترانی) و
شرطی (استثنائی)
تقسیم می‌کرده‌اند.
ولی ابن‌سینا با کشف
قیاس اقترانی شرطی،
این تقسیم بندی را
به هم می‌زند و
تقسیم جدیدی
ارائه می‌دهد.